

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۴۰

نامه سرکشاده دانشجویان نهضت آزادی ایران

خطاب به

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و جهادهای دانشگاهی

پس از سلام، پیام اخیر آیت‌الله منتظری پیرامون فضای آزاد در دانشگاهها در گردهمایی سالانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی، همچنین بیانیه پایانی این نشست، انگیزه‌ای برای این صحبت یا گلایه‌نامه گشت، گلایه‌ای کوتاه و برخاسته از دل به شما که امروز به تنهایی خط مشی حرکت‌های رسمی دانشجویی را رقم می‌زنید. گردهمایی و کنگره تشکیل می‌دهید و برای خیل عظیم دانشجویانی که محتاط و بی‌تفاوت تنها به شوق اختتام دوره تحصیل، این گذرگاه را به سرعت طی می‌کنند، تعیین هدف و تکلیف می‌کنید.

لابد اطلاع دارید که در روز شنبه ۱۷ مهر مقارن با روز افتتاح رسمی سال تحصیلی ۶۸-۶۷ و در آستانه برگزاری گردهمایی شما در مشهد، در دانشکده ادبیات زبان خارجه علامه طباطبائی دانشجویی دست به خودسوزی زد و در مقابل دیدگان مبهوت اساتید و دانشجویان در حالی که می‌سوخت شعارهای سیاسی می‌داد و چهار روز بعد هم در بیمارستان جان به جان آفرین تسلیم نمود.

ما در مورد ارزش اعتقادی این عمل و اینکه وی در چه موضع فکری خاصی قرار داشته سخنی نداریم، تنها این سؤال پیش روی ما قرار گرفته که چرا دانشجویی که سابقه شرکت در جبهه‌های نبرد هم داشته و مدتی در جهت و مسیر افکار حاکمیت گام زده است امروز برای بیان عقاید خود در جامعه و دانشگاه راهی جز خودسوزی نمی‌یابد. گوئی به این نتیجه تلخ و سوال‌برانگیز رسیده است که باید گفت و سوخت! گوئی لهیب آتش را مرهمی بر شعله‌های سوزنده‌تری می‌داند که وی را از درون می‌سوزانند.

از شما که امروز در کنگره‌هایتان بر "لزوم کار عمیق فکری و فرهنگی در جامعه" تکیه می‌کنید می‌پرسیم آیا در شرایطی که امنیتی برای افکار و آرا مخالف وجود ندارد می‌توان امید به کار فرهنگی آنهم از نوع عمیق آن داشت؟ آیت‌الله منتظری مرتباً لزوم آزادی، سعه صدر و حسن تدبیر را به شما توصیه می‌کنند، چراید و رسانه‌ها هم فوراً در ابلاغ آن سعی بلیغ می‌کنند، حتی شما نیز در بیانیه پایانی نشست آرزو می‌کنید که "برخوردهای تعارفی و شعاری با این بیانات نشود و همگی ظرفیت پذیرش انتقاد را در خود بالا ببریم". در ظاهر هیچکس مخالفتی ندارد اما در عمل سیاست‌های حاکم بر دانشگاه چنان ابرهای ناامنی و وحشتی را می‌زایند که پرده بر انوار خورشید دارد و به زودی آزادی، این واژه "همه پسند" در طاق‌نسیان قرار می‌گیرد. اما باید دید که این سیاستها کدامند؟ نگاهی به همین بیانیه پایانی نشست سالانه شما نکته جالبی را نمودار می‌سازد. فضای بیانیه آکنده از بوی خشم و غضب و انتقام و نفرت و هم تناقض است. گاه به گروهی از مخالفان خود تحت عنوان "مقدسین احمق" حمله می‌برید، گاه گروه مخالف دیگری را به عنوان "حلقوم‌های نفاق‌افکن و دسیسه‌باز" نشانه می‌روید و گاه از مستهلک شدن روحیه "نفرت عمومی" اظهار تأسف می‌کنید و خلاصه جابه‌جا اصرار بر قهر و خشم و کینه دارید اما در همان حال ناگهان از همفکری، مبادله افکار، صداقت و وفاداری و پرهیز از تکفیر و تفسیق سخن می‌گویید.

انصافاً آیا شما سنگ آزادی دیگران را به سینه می‌زنید؟ اگر چنین است پس چرا اجازه نداده‌اید هیچ گروه دیگری به جز شما در سالهای اخیر آزادی تشکیل جلسات بحث سیاسی و اجتماعی داشته باشد؟ شاید احساس می‌کنید که فضای اخیر تنفس شما را مشکل ساخته است؟ گویی شتری را که خود راه انداخته‌اید ناگهان به در خانه خودتان نشسته است. باید گفت اگر آزادی مطلوب است باید برای همه وجود داشته باشد و نه صرفاً برای انجمنهای شما یا گروهی خاص و اگر تحمل عقاید مخالف لازم است برای خود شما نیز ضروریست.^۱

فراموش نکنید که شما خود از عوامل طرد و اخراج بسیاری از استادان و دانشجویان گردیدید و با دخالت‌های وسیعی که در امر مدیریت دانشگاهها نمودید موجب بدبینی خانواده‌ها و جوانان نسبت به آنچه در دانشگاه می‌گذرد شدید و قسمت بزرگی از بار مسئولیت نابسامانی‌های امروز که نتیجه مداخلات نادرست دیروز است، به عهده شماست.

این قابل درک است که قبول آزادی برای آنها که منادی نفرت عمومی و کینه هستند کمی مشکل باشد، زیرا لازمه آزادی سعه صدر و بزرگواری است، رهایی از منسب و شکستن نقابهای نخوت است و قبول داشتن اینکه دیگران هم حرفی و اندیشه‌ای دارند که اگر در "کوره وجدان" گذاخته شود شاید سودمند افتد. شما می‌دانید ما نه از سرمایه‌داران دفاع می‌کنیم و نه از گرایش‌های چپ و راست و نه از فرهنگ غربی یا شرقی. روی سخن ما با شما و دوستان انجمن است. واقعیت این است که شما از سالها قبل صحنه دانشگاه را یگانه قلمرو فعالیت و مالکیت خود ساخته‌اید. شاید اگر دانشجویان و قشرهای دیگر اجتماع در آغاز پیروزی، آنروزی که شعاع آزادی بر فرقیان تابیدن داشت قدر می‌شناختند و هر یک صحنه دانشگاه را میدان برخورد‌های افراطی و گروه‌گرائی‌های اغراق‌آمیز نمی‌ساختند و در حد اعتدال به وظیفه علمی - اجتماعی خود می‌پرداختند امروز دانشگاه سرنوشت بهتری داشت. این بود که شما را مخاطب قرار دادیم و برای چندمین بار صمیمانه و مشفقانه توصیه می‌کنیم که تجدیدنظری اصولی و چند جانبه در منش‌ها، بینش‌ها، روش‌های خویش به عمل آورده، خود در کردار مروج و مبلغ واقعی مفهوم مقدس آزادی و آزاد اندیشی در میان دانشجویان و دانشگاهیان باشید و بیائید پس از گذشت این دوران، با حسن نیت و صمیمیت اولین سنگ بنای آزادی و آزاداندیشی را در صحنه معظم دانشگاه با همیاری دانشگاهیان بگذارید. هر گاه کنگره‌ها و گردهمایی‌های شما قبل از هر چیز بذر آزادی بیافشاند و از حیطه سخن و شعار فراتر رود آنگاه می‌توان به میوه‌های شکوفایی و اتحاد پر شکوه دانشجویی امید داشت. چرا که در زمین بخل و تنگ نظری گاهی نمی‌روید.

ما ضمن اظهار خوشحالی از برخی نکات مثبت که در بیانیه پایانی وجود دارد، امیدواریم حرکت‌های اخیری که در زمینه رفع تضییقات و تنگ‌نظری‌های گزینش دانشجو آغاز شده به محیط دانشگاه و

^۱ مرحوم مطهری در سخنرانی خود تحت عنوان "آزادی اندیشه" در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۵۷ چنین می‌گوید " هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان و عقیده داشته باشد ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و آزادی تفکر باشد و به عکس هر مکتبی که ایمان و اعتقادی به خود ندارد جلو آزادی اندیشه و آزادی تفکر را می‌گیرد. اینگونه مکاتب می‌خواهند مردم را در یک محدوده خاص فکری نگه دارند و از رشد افکارشان جلوگیری کنند... در دنباله عرایض لازمست توضیحی هم درباره حکومت اسلامی آینده ایران عرض کنم همانطور که رهبر و امام ما مکرر گفته‌اند در حکومت اسلامی احزاب آزادند هر حزبی اگر عقیده غیر اسلامی هم دارد آزاد است..."

انجمن‌های اسلامی نیز تسری یابد و طلّیعه فردایی بهتر و درخشان باشد.

والسلام علی من اتبع الهدی
دانشجویان نهضت آزادی ایران
مهر ماه ۶۷